



متن کامل سخنان رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل

رئیس جمهور کشورمان بامداد امروز به وقت تهران در شصت و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک سخنرانی کرد...

رئیس جمهور کشورمان بامداد امروز به وقت تهران در شصت و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک سخنرانی کرد. به گزارش خبرنگار اعزامی خبرگزاری فارس به نیویورک، محمود احمدی نژاد رئیس جمهور کشورمان بامداد امروز به وقت تهران در شصت و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک سخنرانی کرد که متن آن به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام علي سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين
اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من خير انصاره و اعوانه و المستشھدين بين يديه
جناب آقای رئیس،

همکاران گرامی، خانم ها و آقایان

خدای بزرگ را از اعطای فرصت حضور مجدد در این مجمع مهم جهانی سپاسگزارم. طی چهارسال گذشته از چالش های اصلی پیش روی جهان، علل و عوامل ریشه ای بروز و پایداری آنان و ضرورت بازنگری در اندیشه و عمل صاحبان قدرت و همچنین نیاز به سازوکارهای جدید با شما سخن گفتم.

از دو جریان متقابل که یکی بر اساس ترجیح منافع مادی خود بر دیگران، با توسعه نابرابری و ستم، فقر و محرومیت، تحقیر انسانها، تجاوز و اشغالگری و فریب کاری، به دنبال تسلط بر جهان و تحمیل اراده خود بر ملتهاست و در نتیجه ناامیدی و آینده ای تاریک را در برابر بشریت ترسیم می نماید و دیگری که با ایمان به خدای یگانه و در پیروی از تعلیمات انبیاء الهی، با احترام به کرامت انسانها و با عشق به نوع بشر، در صدد برپایی جهانی سرشار از امنیت، آزادی، رفاه و صلح پایدار مبتنی بر عدالت و معنویت برای همگان است. جریانی که به تک تک انسانها و ملت ها و فرهنگ های ارزشمند بومی، ملی و انسانی احترام می گذارد، خواستار نفی تبعیض از جهان و برابری همه در برابر قانون مبتنی بر عدالت، در استفاده از امکانات، فرصت های علم آموزی، کمال انسانی و پیشرفت است و آینده ای امید بخش را ترسیم می کند. از ضرورت تغییر بنیادین در نوع نگاه به جهان و انسان و لزوم برپایی نظامات عادلانه و انسانی جدید برای ساختن فردایی روشن سخن گفتم. دوستان و همکاران؛

امروز و در ادامه، درباره ابعاد تحول و تغییراتی که باید به وجود آید نکاتی را به عرض شما خواهم رساند. نکته اول؛

بسیار روشن است که ادامه وضع موجود حاکم بر جهان ممکن نیست. شرایط یک جانبه و نامطلوب فعلی، بر خلاف فطرت انسان و در نقطه مقابل هدف از خلقت جهان و انسان است.

دیگر نمی شود با ایجاد داری های کاذب کاغذی، معادل دهها هزار میلیارد دلار ثروت غیر واقعی را به اقتصاد جهان تزریق کرد و با ایجاد کسری بودجه های شدید، تورم و مشکلات اقتصادی و اجتماعی را به دیگران منتقل کرده و ثروت دیگران را به اقتصاد برخی دولتهای خاص منتقل نمود.

ماشین اقتصاد سرمایه داری لجام گسیخته با تنظیمات ناعادلانه به پایان راه رسیده و از کار افتاده است و این معادله یک سو به قابل دوام نیست.

دوران تحمیل اندیشه سرمایه داری بی عاطفه و تحمیل سلیقه و علاقه یک گروه خاص بر جامعه جهانی، توسعه سلطه بر جهان به نام جهانی سازی و عصر برپایی امپراطوریهها به پایان رسیده است. دوران تحقیر ملتها و اعمال سیاستهای دوگانه و معیارهای چندگانه سپری شده است.

اینکه تحقق نتایج دلخواه برخی دولت ها، تنها ملاک بود و نبود آزادی و دموکراسی باشد و تحت لوای آزادی، زشت ترین روش های فریب و تهدید، دموکراتیک جلوه داده شده و دیکتاتور مآب ها، دموکرات به حساب آیند، قبیح و فاقد مشروعیت است. دیگر زمان آن گذشته است که عده ای خود، دموکراسی و آزادی را تعریف کنند، خود معیار آن باشند و در حالیکه خود، اول ناقض آن هستند، در موضع قاضی و مجری نیز قرار گیرند و با دولتهای متکی بر مردمسالاری حقیقی مبارزه کنند. گسترش آزادی های جهانی و بیداری ملت ها دیگر اجازه این مشرب ناصواب را نمی دهد و به همین دلایل است که اغلب ملت ها و از جمله مردم آمریکا در انتظار تغییرات گسترده، عمیق و واقعی هستند و از شعار تغییر استقبال کردند و می کنند.

چه کسی تصور می کند ادامه اعمال سیاست های غیر انسانی در فلسطین امکان پذیر باشد؟ اینکه ملتی را بر خلاف همه معیارهای انسانی با زور سلاح و با تبلیغات فریبنده بیش از 60 سال از خانه خود برانند، با روش های ضدبشری و موشک و حتی تسلیحات ممنوعه بر او بتازند و در مقابل، حق دفاع مشروع را نیز از او سلب کنند و عجیب تر آنکه در برابر نگاه بهت زده جهانیان، متجاوزان و اشغالگران را "صلح طلب" و "صاحب حق" و مردم تحت ستم را "تروریست" بنامند.

چگونه ممکن است جنایات عده ای اشغالگر علیه کودکان و زنان بی دفاع و تخریب خانه ها و مزارع و مدارس و بیمارستانها مورد حمایت کامل و بی قید و شرط برخی دولت ها قرار گیرد و مردان و زنان مظلوم به جرم دفاع از خانه و وطن خود تحت

سنگین ترین محاصره ها و تحریم های غذایی و آب و دارو و مورد نسل کشی قرار گیرند. حتی از بازسازی اماکن آنان که در تهاجم وحشیانه 22 روزه صهیونیست ها تخریب شده است، آنهم در آستانه زمستان، جلوگیری شود و همزمان متجاوزان و حامیان آنان شعار دفاع از حقوق بشر سرداده و دیگران را به این بهانه تحت فشار قرار دهند. دیگر قابل قبول نیست که یک اقلیت محض با یک شبکه پیچیده با طراحی غیر انسانی، بر اقتصاد و سیاست و فرهنگ بخش های مهمی از جهان حاکم شود، برده داری نوین راه اندازی کند و تمام حیثیت ملتها حتی ملتهای اروپا و آمریکا را قربانی مطامع نژادپرستانه خود کند. پذیرفتنی نیست که عده ای از چند هزار کیلومتر دورتر در منطقه خاورمیانه دخالت نظامی کنند و کشتار، جنگ، ترور، تهدید و تجاوز را به همراه آورند ولی حساسیت ملتهای منطقه به سرنوشت و امنیت ملی خود و فریاد اعتراض آنان به بی عدالتی ها و تجاوز ها و حمایت آنان از هموطنان و هم کیشان مظلوم شان را ضدیت با صلح و دخالت در امور دیگران بنامند. وضع عراق و افغانستان را ببینید.

دیگر نمی شود با شعار مبارزه با تروریسم و مواد مخدر سرزمینی تحت سلطه نظامی قرار گیرد ولی تولید مواد مخدر و دامنه تروریست در آن چند برابر شود، و هزاران نفر از مردم بیگناه کشته و زخمی و آواره شوند، تاسیسات زیربنایی نابود گردد، امنیت منطقه ای تحت مخاطره قرار گیرد و عاملان اصلی این فجایع دائماً دیگران را متهم کنند. نمی شود شعار دوستی و همراهی با ملتها سرداد و همزمان پایگاههای نظامی را در مناطق جهان از جمله آمریکای لاتین توسعه داد. این وضعیت قابل ادامه نیست. دیگر نمی توان سیاست های توسعه طلبانه و ضد انسانی را با منطق نظامی گری به پیش برد، منطق زور و تهدید عواقب وخیم تری را به دنبال داشته و بر مشکلات موجود به شدت می افزاید.

غیر قابل قبول است که هزینه نظامی برخی از دولتها چند برابر هزینه نظامی کل دولتهای جهان باشد، سالانه صدها میلیارد دلار سلاح صادر کنند، سلاح شیمیایی و بیولوژیکی و اتمی انبار کنند، در نقاط مختلف دنیا پایگاه و نیروی نظامی داشته باشند و در همین حال دیگران را متهم به نظامی گری کنند و با سوء استفاده از امکانات جهانی و با شعار دروغین مقابله با گسترش تسلیحات، مانع از پیشرفت علمی سایر ملتها شوند.

قابل قبول نیست که سازمان ملل و شورای امنیت که باید نماینده همه ملتها و دولت ها باشند و تصمیم گیری در آن براساس مردمی ترین و دموکراتیک ترین شیوه ها باشد تحت سلطه چند دولت و در خدمت منافع و خواست آنها باشد. اصولاً در دنیایی که اندیشه و فرهنگ و افکار عمومی عامل تعیین کننده است، ادامه این وضع ناممکن و تحول اساسی یک ضرورت غیر قابل اجتناب است. ما خواهان برپایی یک نظام نوین در جهان هستیم.

نکته دوم؛

تغییر و تحول باید هم در حیطه نظری و هم از حیث عملی در ساختارها و روش ها به صورتی اساسی و بنیادین صورت گیرد. ممکن نیست با مبانی فکری و سازوکارهایی که خود مسبب و عامل اصلی همه مشکلات جامعه بشری بوده اند، وضعیت را متحول و دنیای مطلوب را برپا کرد. اندیشه لیبرالیستی و سرمایه داری سلطه گر که انسان را از اخلاق و آسمان جدا می کند، نه تنها سعادت را به ارمغان نمی آورد بلکه خود عامل بدبختی ها و از جمله جنگ ها و فقرها و محرومیت هاست. همگان شاهد بودند که چگونه ساختارهای یکسویه اقتصادی تحت اشراف جهت گیریهای سیاسی، منافع ملتها را به پای عده ای سرمایه دار بی اخلاق بر باد داد. این ساختارها نمی توانند اصلاح کننده اوضاع باشند.

ساختارهای سیاسی و اقتصادی- پس از جنگ جهانی دوم که برآمده از نیات سلطه بر جهان هستند نتوانستند تامين کننده عدالت و امنیت پایدار باشند. حاکمانی که قلب آنان به عشق انسانها نمی تپد و در وجود خود اندیشه عدالت را قربانی کرده اند هرگز نمی توانند صلح و دوستی را به بشر هدیه کنند. به لطف خدا همچنان که مارکسیسم به تاریخ پیوست، سرمایه داری توسعه طلب نیز به تاریخ سپرده خواهد شد. زیرا بر اساس سنت الهی که قرآن کریم از آن به مثابه یک اصل یاد می کند باطل چون کف روی آب رفتنی است و تنها آنچه به نفع جامعه بشری است ماندگار خواهد بود.

باید همگان مراقب باشند که اهداف استعماری، تبعیض آلود و غیر انسانی صرفاً با تغییر شعار و با بسته بندی های جدید دنبال نشود. جهان نیازمند تغییرات اساسی است و همه باید کمک و همکاری کنند که این تغییرات در مسیر درست اتفاق بیفتد تا در پرتو آن هیچ کس و هیچ دولتی خود را مستثنی از تغییر و برتر از دیگران نشمارد و با ادعای رهبری جهانی، به دنبال تحمیل خود بر دیگران نباشد.

نکته سوم؛

رمز و راز اصلی همه مشکلات جامعه جهانی، دورشدن عده ای از حاکمان از اخلاق، ارزش های انسانی و تعلیمات انبیاء الهی است. متأسفانه در بسیاری از مناسبات اصلی جهان، عشق و فداکاری برای نجات و سعادت دیگران و پافشاری بر عدالت و کرامت انسانی، جای خود را به خودخواهی، زیاده طلبی سیری ناپذیر و لذت جویی فردی بی انتها سپرده است. یکتا پرستی جای خود را به خودپرستی داده است برخی خود را به جای خدا نشانده اند و بدون کسب صلاحیت های انسانی اصرار دارند طرز تلقی و خواسته خود را بر جهان تحمیل کنند. دروغ به جای راستی، دورویی به جای صداقت، خودخواهی بجای فداکاری نشسته است. فریبکاری در تعاملات، درایت و سیاستمداری نام گرفته است و چپاول ثروت دیگران به نام عمران و توسعه، اشغال سرزمین ملتها به نام اهدای آزادی و دموکراسی و سرکوب ملتهای بی دفاع به نام دفاع از حقوق بشر رایج شده است. دوستان و همکاران گرامی؛

حل مشکلات جهانی و برپایی عدالت و صلح جز با عزم عمومی و همراهی همه ملتها و دولت ها غیر ممکن است. دوران قطب بندی های ناشی از نظام سلطه و حکومت چند دولت معدود بر جهان به پایان رسیده است.

امروز باید با يك تعهد جمعي، در برابر وضع موجود قيام كنيم، تغيير و تحول را جدي بگيريم و در يك مشاركت و مجاهدت عمومي تلاش كنيم تا همگي به ارزش هاي اخلاقي و انساني و فطري رجعت نمائيم. پیامبران الهي و صالحان آمده اند تا حقيقت انساني و مسئوليت هاي فردي و اجتماعي انسان را در برابرش قرار دهند. پاكي، ايمان زلال به خدای يکتا و به حساب و کتاب اخروي و به اجرائي عدالت در دوجهان، جستجوي سعادت حقيقي در سعادت ديگران و رفاه و امنيت در رفاه و امنيت ديگران، احترام به نوع انسان و تلاش براي توسعه محبت و مهر به جاي کينه ورزي و خودخواهي و ترويج خدمت به ديگران به جاي تسلط بر آنان در رأس تعليمات انبياء الهي از آدم تا نوح و از نوح تا ابراهيم و موسي و عيسي و رسول خاتم حضرت محمد صلوات الله و سلامه عليهم بوده است.

همه آنها آمده اند کاري کنند که جنگ نباشد، تبعيض و فقر ريشه کن شود، جهل نابود گردد و خوشبختي بر تمام انسانها و جوامع حاکم شود. آنان بهترين هدايای الهي بر بشرينند.

اگر اندیشه انتظار حاکميت خوبي ها و حکومت صالح، به اندیشه اي همگاني تبديل شود و دست در دست هم براي سعادت کل جهان تلاش كنيم، آنگاه اميد به اصلاح، واقعي تر و روزافزون مي شود. نکته چهارم؛

به نظر اينجانب چند دستور کار مهم پيش روي همه ماست و دبیرکل و مجمع عمومي سازمان ملل مي توانند بر اساس آن اقدامات لازم را برنامه ريزي کنند و در اين مسير پيشگام باشند؛

1- اصلاح ساختار سازمان ملل و تبديل آن به يك سازمان روزآمد و كاملا مردمی، آزاد، عادل و موثر در مناسبات جهاني، اصلاح ساختار شوراي امنيت، سلب امتياز ويژه تبعيض آلود حق وتو، اعطاي فوري و كامل حقوق مردم فلسطين با برگزاري همه پرسی آزاد و زمينه سازي زندگاني مسالمت آميز مسلمانان و مسيحيان و يهوديان فلسطيني و قطع دخالت ها در امور عراق و افغانستان، مردم افریقا و امريكاي لاتين و آسيا و اروپا.

حکومت باکفر باقي مي ماند اما با ظلم هرگز، اين کلام پیامبر الهي حضرت محمد(ص) است. ظلم و نقض حقوق انسانها، در فلسطين نظير استمرار آواره کردن عده ديگري از صاحبان اصلي سرزمين فلسطين که در بيت المقدس ساکن بودند و تخریب منازل توسط اشغالگران قدس، و در افغانستان و پاکستان از طريق بمبارانهاي هوايي، و در زندان گوانتامو که متأسفانه هنوز تعطيل نشده است و زندانهاي مخفي در اروپا، ادامه دارد.

ادامه وضع حاضر، موجب تشديد كدورت ها و خشونتها مي شود. بايد جلوي ظلم و تجاوز گرفته شود. متأسفانه گزارشات رسمي مربوط به اقدامات رژيم صهيونيستي در نوار غزه به طور كامل منتشر نشده است. دبیرکل محترم و سازمان ملل در اين موارد و ظايف سنگيني بر دوش دارند که بايد دنبال شود. جامعه جهاني بي صبرانه منتظر مجازات عادلانه متجاوزان به غزه و قاتلان مردم بي دفاع آن است.

2 - اصلاح ساختارهاي اقتصادي و برپايي مناسبات اقتصادي اخلاقي و انساني در جهان که در خدمت کمال انسانها و مبتني بر عدالت واقعي باشد. مناسبات اقتصادي که استعداد و توان ملتها را شکوفا کند و رفاه را به همگان هديه و زندگي نسلهاي آينده را نیز تضمين نمايد.

3- اصلاح مناسبات سياسي بين المللي، بنانهادن روابط برپايه صلح و دوستي پايدار، ريشه کني مسابقات تسليحاتي و سياسي خانمان برانداز و خلع سلاح اتمي، شيميائي و بيولوژيکي و زمينه سازي براي استفاده همگاني از فنآوريهاي پيشرفته و صلح آميز در جهت پيشرفت بشري

4- اصلاح ساختارهاي فرهنگي، احترام به آداب و سنتهاي بومي ملتها، ترويج اخلاق و معنويت و تقويت ارکان خانواده گرم، پايدار و خوشبخت به عنوان ستون فقرات جامعه سعادت مند.

5- اهتمام عمومي به صيانت از محيط زيست انساني و رعايت قوانين و مقررات جهاني جهت جلوگيري از انهدام ذخاير تجديد ناپذير طبيعت

نکته پنجم؛

اکنون که ملت ايران با پشت سرگذاشتن انتخاباتي بسيار با شکوه و کاملاً آزاد فصل نويني را براي شکوفايي ملي و تعاملات گسترده تر جهاني رقم زده اند و با رأي قاطع، بار سنگين مسئوليت را بر دوش اينجانب نهاده اند اعلام مي کنم که ملت بزرگ و تمدن ساز و نظام جمهوري اسلامي ايران به عنوان يکي از مردمی ترين حکومتهاي مترقي جهان آماده اند تا با استفاده از همه ظرفيت هاي فرهنگي، سياسي و اقتصادي خود و برپايه راه حل هاي انساني در يك برنامه عادلانه و احترام آميز جمعي، براي رفع نگرانيها و چالش هاي جامعه بشري مشارکت فعال و تاثير گذار داشته باشد.

ملت فرهنگ ساز ايران خود از بزرگترين قربانيان تروريسم کور بوده و در دهه اول انقلاب سي ساله خود گسترده ترين هجوم نظامي تجاوز کارانه به سرزمين خود را مظلومانه دفع کرده است. ملت ما همواره مورد بغض و بي مهري کساني قرار گرفته است که روزي با همه توان از تجاوز صدام به خاکش و استفاده صدام از سلاح شيميائي، حمايت کردند و روزي ديگر به بهانه دفع شر همان صدام، به عراق لشکرکشي کردند. امروز اين ملت خواستار برپايي دنيايي پر از زيبايي و مهرورزي براي آحاد ملتها و انسانهاست و اعلام مي نمايد که ضمن دفاع قدرتمندانه از حقوق مشروع و قانوني خود، پاسدار صلح و امنيت پايدار براي همه ملتها بر اساس عدالت، معنويت و کرامت انساني است.

ملت ما آماده است براي تحقق اين اهداف همه دستهاي را که با صداقت دراز مي شوند به گرمي بفشارد. هيچ ملتي در طي مسير کمال، خود را بي نياز از تغيير و اصلاح نمي داند؛ ما نیز از تغييرات واقعي و انساني استقبال مي کنيم و آماده

مشارکت فعال در اصلاحات بنیادین جهانی هستیم.

بر همین اساس تأکید می‌نماید که:

تنها راه نجات، برگشت به توحید و عدالت است و این بزرگترین امید و فرصت در همه عصرها و نسلهاست. بدون ایمان به خداوند و تعهد به اجرای عدالت و مقابله با بی‌عدالتی و تبعیض، نظام عالم، سامان پیدا نخواهد کرد.

انسان محور نظام هستی است. وجه ممتاز انسان، انسانیت اوست. همان حقیقتی که خواستار عدالت، پاکي و عشق و علم و همه کمالات دیگر است. این ارزشهای انسانی باید حمایت و فرصت دست یابی به آنها، برای آحاد انسانها فراهم شود. حذف هر يك از آنها حذف بُعدی از ابعاد انسانی است. اینها عناصر مشترکی است که همه جوامع بشری را به هم پیوند می‌زند و اساس صلح و امنیت و دوستی را تشکیل میدهند.

ادیان الهی به همه ابعاد زندگی بشر از جمله خداپرستی، اخلاق، عدالت، مبارزه با ظلم، کوشش برای برقراری حکومت های عادل و صالح توجه کرده اند. حضرت ابراهیم منادی توحید در برابر نمرود، حضرت موسی علیهما السلام در برابر فرعون و حضرت عیسی و حضرت محمد صلوات اله و سلامه علیهم در برابر ظالمان زمان خود ایستادند تا آنجا که تهدید به مرگ شدند و از سرزمین خود آواره گشتند.

بدون ایستادگی و اعتراض، بی‌عدالتی‌ها از جهان برچیده نخواهد شد.

نکته ششم؛

همکاران و دوستان عزیز؛

جهان در حال تغییر و تحول است. سرنوشت وعده داده شده الهی برای بشر، برپایی حیات طیبه انسانی است. دورانی خواهد آمد که عدالت همه‌گیر و جهان شمول می‌شود و تك تك انسانها محترم و عزیز شمرده می‌شوند. آنگاه است که راه کمال معنوی انسان گشوده و سیر او به سوی خدایی شدن و تجلی اسماء الهی محقق می‌شود. انسان باید به نقطه ای برسد که نماد "علم و حکمت"، "رحمت و رأفت"، "قسط و عدالت"، "قدرت و خلاقیت" و "بخشش و لطف" خداوند باشد.

اینها همه در سایه حاکمیت انسان کامل، آخرین ذخیره خداوند، فرزندی از نسل پیامبر گرامی اسلام یعنی حضرت مهدی (علیه السلام) محقق خواهد شد که خواهد آمد و حضرت مسیح ابن مریم (علیها السلام) و انسانهای صالح دیگر نیز او را در این ماموریت بزرگ جهانی همراهی خواهند فرمود و این همان اندیشه انتظار است. انتظار حاکمیت خوبی‌ها و حکومت صالح که اندیشه جهانی و فطری و مایه امید ملتها به اصلاح جهان است.

آنها خواهند آمد و با کمک انسانهای مومن و صالح همه آرزوهای تاریخی بشر برای آزادی، کمال، رشد، امنیت و آرامش، صلح و زیبایی را به همراه خواهند آورد. خواهند آمد تا بساط جنگ و تجاوز را برچینند و همه علم و معنویت و دوستی را به جهان هدیه کنند.

آری آری آینده روشن بشریت در راه است.

دوستان، بیایید در انتظار آن دوران زیبا و در تعهدی جمعی، سهمی مناسب در فراهم کردن بسترها و مقدمات برای ساختن این آینده برعهده بگیریم.

زنده باد عشق و معنویت، زنده باد صلح و امنیت، زنده باد عدالت و آزادی

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته